

تأثیر آموزش بر شکل‌گیری بحران مذهبی در جهان اسلام؛ مورد: آموزش‌های مذهبی در پاکستان

فرزانه تومانی^۱، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
محسن جان‌پرور، استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مذهب با توجه به اینکه نقش مهمی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند و به صورت‌های مختلف بر هویت آنها تأثیرگذار است و از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. فراگیری و انتقال آن از طرق مختلف از سوی خانواده‌ها، گروه‌ها و حتی حکومت‌ها صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه آموزش سبب شکل‌دهی به هویت مذهبی افراد شده است بررسی آموزش‌های مذهبی یک ضرورت می‌باشد. در این میان، آموزش‌های مذهبی در بین مردم کشور پاکستان از اهمیت بسزایی برخوردار است، به گونه‌ای که در دوران حکومت ضیاءالحق برای اولین بار در تاریخ پاکستان، حکومت به حمایت مالی از توسعه آموزش‌های مذهبی دست زد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر آموزش بر بحران مذهبی در فضای کشور پاکستان می‌باشد. مسئله اصلی این پژوهش بررسی تأثیر آموزش‌های مذهبی غیررسمی در فضای کشور پاکستان می‌باشد. بر این مبنای مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش نتیجه‌گیری شده است که آموزش‌های مذهبی که توسط خانواده که به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان، و رسانه که بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی مخاطبان است، موجب شکل‌گیری بحران مذهبی در کشور پاکستان شده است و عواملی مانند افراط‌گرایی فرقه‌ای و گروه طالبان هم در شکل‌گیری بحران مذهبی تأثیرگذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: آموزش، بحران، مذهب، جهان اسلام، پاکستان

۱- مقدمه

جهان اسلام سرزمینی با ترکیبی متنوع از نظر انسانی و طبیعی را شامل می‌شود و با توجه به توانمندی‌های مهم ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی آن، دارای قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قدرت در عرصه نظام ژئوپلیتیک جهانی است. جهان اسلام در بر دارنده مذاهب و فرقه‌های مختلف است که به لحاظ هم مرز بودن با تمدن‌های دیگر در طول تاریخ شاهد منازعات و کشمکش‌های مختلف مذهبی و یا درونی بوده است. امروزه نیز توجه به برخی آرا و افکار به خصوص نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون که برخی از مرزها جهان اسلام را خونین می‌پندارد، تحولات جاری جهان را تا حدودی مبین این نظریه می‌توان دانست. جنگ مذهبی در پاکستان- درگیری دولت در ایالت مسلمان‌نشین سینک کیانگ چین، ادامه برخوردها در سرزمین‌های اشغالی و احتمال از سرگیری تشنجات و درگیری‌ها در مرزهای جنوبی لبنان- آشفته‌گی افغانستان و عراق- جنگ دولت عربستان در صعده یمن- درگیری‌های سودان- سومالی- تشنج دوباره آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره باغ و ... از جمله بحران‌هایی است که جهان اسلام با آن مواجه است.

^۱. Email: farzanehtoomani@yahoo.com

اگر چه اغلب مسلمانان به لحاظ ایدئولوژیک خواهان ایجاد همبستگی و اتحاد جهانی کشورهای مسلمان هستند اما در واقع چنین امری با چالش‌های متفاوتی روبرو است. از دیر باز، دین و مذهب از عوامل مهم چالش در شبه‌قاره هند و مورد توجه قدرت‌های سلطه‌طلب بوده است. تولید و تبلیغ مذاهب و عقاید خودساخته و ترویج آن در بین مسلمانان سیاستی بود که می‌توانست از شکل‌گیری اتحاد در بین مسلمانان جلوگیری نماید، به گونه‌ای که هر فرقه خود را مسلمان ناب دانسته و دیگران را مرتد، کافر و واجب‌القتل پندارد. جمهوری اسلامی پاکستان، از لحاظ نقش سیاسی و استراتژیک و موقعیت مذهبی و فرهنگی خود در جهان کنونی، یکی از مهم‌ترین کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان به تهدیدی جدی علیه امنیت ملی این کشور تبدیل شده است. پاکستانی‌ها سال‌ها بر خشونت‌های فرقه‌ای چشم بستند، چرا که قربانیان آن عمدتاً از اقلیت‌های مذهبی (شیعیان، احمدی‌ها، هندوها، بودایی‌ها و سیک‌ها) بودند. افراط‌گرایان فرقه‌ای، بی‌توجهی اکثریت را حمل بر تائید اعمالشان تلقی و دایره اهداف خود را آن‌قدر گسترده کردند که حتی اکثریت سنی را هم که با دیدگاه‌های مطلق‌گرای آنان درباره ایمان، جامعه و دولت موافق نبودند، هدف قرار دادند. آرمان بنیان‌گذاران پاکستان، تأسیس کشوری بود که مسلمانان و سایر اقلیت‌های مذهبی شبه‌قاره بتوانند در آن آزادانه به دین خود و در صلح و صفا با یکدیگر زندگی کنند. اما وضعیت خشونت‌بار روابط میان فرقه‌ای، پس از گذشت شش دهه از استقلال این کشور، حاکی از عدم تحقق کامل چنین آرمانی است. کشور پاکستان به نام دین اسلام و کشور خاص مسلمانان شبه‌قاره هند اعلام استقلال نمود، نقش بسزایی در این کشور ایفا می‌کند. با این حال پاکستان از معدود کشورهایی است که جز دین مشترک آن، هیچ یک از عناصر تشکیل‌دهنده "دولت-ملت" را در محدوده سرزمینی دارا نبوده و سعی دولت پاکستان برای استفاده از عامل مذهب به منظور همگرایی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف مذهبی بی‌نتیجه مانده و تاریخ این کشور با درگیری‌های قومی و مذهبی پیوند خورده است. آموزش مذهبی در پاکستان از اهمیت بسزایی برخوردار است به گونه‌ای که در دوران ضیاءالحق برای اولین بار در تاریخ پاکستان، حکومت به حمایت مالی از توسعه آموزش‌های مذهبی دست زد و پرداخت زکات در طول دوران حکومت ضیاءالحق برای تامین هزینه مدارس مذهبی برای شهروندان پاکستانی اجباری شد (عطایی و شهوند، ۱۳۹۱: ۹۱). هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر آموزش‌های غیررسمی بر شکل‌گیری بحران مذهبی در کشور پاکستان است و در این راستا به بررسی تأثیر اهمیت آموزش مذهبی در خانواده، اهمیت آموزش با استفاده از رسانه و به بررسی شکل‌گیری گروه طالبان و افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان پرداخته شده است.

۲- روش تحقیق

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. مقاله حاضر به بررسی تأثیر آموزش غیررسمی بر شکل‌گیری بحران مذهبی در کشور پاکستان می‌پردازد.

۳- مباحث نظری

۳-۱- آموزش

آموزش کلیه‌ی مساعی و کوشش‌هایی است که جهت ارتقاء سطح دانش و آگاهی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و شغلی و همچنین ایجاد رفتار مطلوب در کارکنان یک سازمان جهت آماده کردن آنان برای انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی صورت می‌گیرد. بی‌تردید، آموزش در زندگی بشر از اهمیت ویژه برخوردار است چرا که آموزش، سازندگی، بهبود و تعالی انسان را به همراه دارد. مقام شامخ انسان در پرتو آموزش

صحیح، متجلی می‌شود و در مقابله با آفات عظیم اجتماعی از قبیل خرافات و نیز وابستگی در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مصونیت می‌یابد و استعدادها و از این طریق شکوفا می‌گردد. با وجود این، آموزش یکی از پیچیده‌ترین وظایف در اداره امور هر سازمان است (بهروزی، ۱۳۸۴: ۱).

۱-۳-۱- انواع آموزش

«آموزش‌های رسمی»، با اهداف و محتوای مشخص از قبل تدوین شده، آموزش کودکان، نوجوانان و جوانان را به عهده دارند. این آموزش‌ها در قالب فعالیت نهادها و سازمان‌های رسمی آموزشی همچون مدرسه و دانشگاه قابل شناسایی است. در این راستا، وجود کتاب‌های درسی مصوب و برنامه‌های درسی مشخص و از قبل تدوین شده، و نیز وجود معلم و متعلم در فضاهای آموزشی، از جمله مهم‌ترین شاخص‌ها و ملاک‌های شناسایی آموزش رسمی تلقی می‌شود.

«آموزش‌های غیررسمی» بر خلاف آموزش‌های رسمی، الزاماً با کتاب‌های درسی مصوب و سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی مشخص و معین همراه نیستند و در این آموزش‌ها، کار انتقال پیام‌های آموزشی و تربیتی، از طریق رسانه‌های ارتباطی و مراکز غیررسمی در امر آموزش به انجام می‌رسد. آموزش غیررسمی در سطح بسیار وسیعی در ایران ارائه می‌شود و از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان به برنامه‌ها و فعالیت‌های هنری صداوسیما جمهوری اسلامی، مساجد کشور، شهرداری‌ها، نهضت سوادآموزی و... اشاره کرد (باقری، ۱۳۸۷: ۳).

۲-۳- بحران

شاید کمتر واژه‌ای همچون «بحران»، ادبیات معاصر و از جمله ادبیات علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته و رشته‌های علمی مختلف را درگیر ساخته است. دانشمندان روابط بین‌الملل، دل‌مشغولی جلوگیری از بروز جنگ بین کشورها، سیاست شناسان نگران بروز ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، صاحب‌نظران علم مدیریت که با ورشکستگی و فروپاشی شرکت‌ها و کسب و کارها مواجه هستند، مهندسان و متخصصان فنی که روش‌های کاهش خسارت‌ها و خرابی‌های ناشی از بلایای طبیعی یا سوانح صنعتی را جستجو می‌کنند، اقتصاددانانی که تلاطم‌ها و نوسانات شدید بازارهای پولی و مالی را تجزیه و تحلیل می‌نمایند، روانشناسانی که با نابسامانی‌های روحی بیماران سروکار دارند و سایر صاحب‌نظران و محققان رشته‌های مختلف علمی، هر یک به گونه‌ای، واژه‌ی بحران را بکار گرفته و از آن برای توصیف پدیده‌ی مورد نظر خود استفاده کرده‌اند.

از نظر مورخان، بحران فقط تغییری بسیار سریع در محدوده‌ی اندکی از زمان است که بر جنبه‌های بسیار اساسی نهادها، نگرش‌های اخلاقی، انواع اندیشه و احساس، ساختارهای قدرت و تشکیلات اقتصادی تأثیر می‌گذارد. بحران وضعیتی است که در آن، یک سیستم یا بخش‌هایی از آن، مختل (تهدید به اختلال) شده و تغییرات ناگهانی یا مخرب در یک یا چند متغیر سیستمی اساسی (برای مثال، تغییر ناگهانی در قدرت بازدارندگی یک ابر قدرت در برابر ابر قدرت دیگر) باعث بی‌ثباتی کل سیستم می‌گردد. هر چند این تعریف بیشتر معطوف به بحران‌های بین‌المللی است، با اطلاق عنوان سیستم به هر مجموعه‌ای متشکل از متغیرهای متعامل با هم، مانند کل یک کشور، یک منطقه از کشور، یک شهر و یا حتی گروه‌های کوچک‌تری مانند مدارس یا شرکت‌های تجاری می‌توان تعریف را به همه‌ی مجموعه‌های این چنینی تعمیم داد و مدعی شد که هر کدام از این سیستم‌ها با پیدایش اختلال جدی در کل یا بخشی از حوزه خود دچار بحران می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲-۸).

۳-۳- مذهب

مذهب، همواره در پیشرفت تمدن، نقش حساسی به عهده داشته و دارد. ساموئیل کئینیک می‌گوید: "اما از انصاف نباید گذشت که مذهب؛ خدمات بزرگی نیز انجام داده است که خود سبز و کلر، برخی از آن‌ها را برشمرده است، مانند تأمین کار و اندوختن ثروت و ایجاد یک طبقه‌ی مرفه و به وجود آوردن طبقه‌ی طلبه علوم دینی که اغلب وقت خود را صرف پرداختن فرهنگ می‌کردند. مذهب نقش بزرگی در تشویق و پرورش اصول اخلاقی بازی می‌کند... همچنین رهبران مذهبی که بنام خدا وعظ می‌کنند، در تلطیف و تقویت اصول اخلاقی مؤثر هستند. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که مذهب، تنها فضائل اخلاقی را تقدیس می‌کند و به آن‌ها نظم و ترتیب می‌دهد؛ سبز و کلر می‌گوید: «شاید بهترین خدمت مذهب، به وجود آوردن پایه‌های نظم و انضباط باشد؛ زیرا بشر در دوران اولیه‌ی زندگی نیاز فراوان به نظم داشته است. مذهب نیز دوشادوش پیشرفت و تکامل تمدن؛ همواره رو به تکامل رفته و از کثرت، به وحدت گراییده است، انسان‌های اولیه، خدایان بسیار می‌پرستیدند و اسلام به صورت تکامل یافته یکتاپرستی ظهور کرد و تمام مذاهب از شرق ظهور کرده‌اند. پس باید تصدیق کنیم که هیچ اخلاق و قانونی بدون مذهب، نمی‌تواند دوام یابد و طبعاً هیچ تمدنی هم بدون اخلاق و قانون و نظم، قابل پیشرفت نیست (بهشتی، ۱۳۴۶: ۸۷-۸۶). مذهب رسمی پاکستان، اسلام است و مسلمانان حدود ۹۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. اکثریت مسلمانان پیرو مذهب تسنن می‌باشند. فرق و مذاهب متعدد، در پاکستان وجود دارد (صافی، ۱۳۷۰: ۶۵).

۳-۴- جهان اسلام

جهان اسلام به اصطلاح به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که بیشینه مردمان آن پیرو دین اسلام باشند و از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیعی است که بدنه‌ی اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و در مجموع شامل قسمت عمده‌ی آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷: ۵۶). جهان اسلام سرزمینی با ترکیبی متنوع از نظر ویژگی‌های انسانی و بسترها و شرایط طبیعی را شامل می‌شود. اگر چه به لحاظ اشتراک دینی و منابع انسانی و طبیعی، جهان اسلام دارای قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای در عرصه نظام ژئوپلیتیک جهانی است؛ اما به دلیل وجود برخی عوامل و زمینه‌های بروز اختلاف و واگرایی از جمله گسیختگی فضای جغرافیایی، تفاوت‌های مذهبی، قومی، اندیشه و نظام سیاسی، عدم استقلال و وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی، تعارضات سرزمینی، رقابت داخلی قدرت‌های برتر جهان اسلام، وجود پیمان‌های سیاسی-امنیتی با قدرت‌های بزرگ و بازیگران فرا منطقه‌ای و ... متأسفانه تاکنون از این پتانسیل عظیم استفاده شایسته-ای نشده است. در کنار عوامل واگرایی، عوامل و زمینه‌هایی چون اشتراکات دینی و تمدنی، تجانس و همگونی ساختاری و کارکردی، منافع و نیازهای مشترک، احساس تهدید مشترک و ... وجود دارند که می‌تواند در جهت وحدت و همگرایی جهان اسلام نقش مؤثری ایفا کند (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۰: ۱).

۳-۵- پاکستان

کشور پاکستان قدمتی چند هزار ساله دارد و تاریخ آن عمده‌ی تاریخ هند و ایران است. این کشور دارای فرهنگی غنی و آداب و رسوم فراوانی است که سابقه‌ای بیشتر از یونان دارد. پاکستان با پستی بلندی‌های وسیع، سرزمین‌های حاصلخیز و سیراب شده از رودخانه سند، مرکز اجتماع سه سلسله جبال بزرگ هیمالاها، قراقرم و هندوکش است (صافی، ۱۳۷۰: ۶۵). جمهوری اسلامی پاکستان از شمال با افغانستان و چین، از

شمال غربی با افغانستان، از شمال شرقی و مشرق با هند و از مغرب با ایران همسایه است و از جنوب و جنوب غربی نیز به دریای عمان محدود می‌شود. پاکستان از سرزمین‌هایی تشکیل یافته که پاره‌ای بودند از آنچه که آن را هند می‌خواندند و اکنون به نام شبه‌قاره هند-پاکستان مشهور است (صارمی نایینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰). پاکستان ششمین کشور پرجمعیت دنیا و دومین کشور دارنده جمعیت مسلمان است. طبق آمار تخمینی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) پاکستان با جمعیتی حدود ۱۷۲ میلیون تن، ششمین کشور پرجمعیت از نظر نرخ رشد جمعیت است. نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت ۱۷۲ میلیونی پاکستان زیرخط فقر زندگی می‌کنند که این آمار مربوط به قبل از سیل پاکستان است و فجایعی که سیل پاکستان به بار آورد خود گویای رشد این آمار خواهد بود. نرخ بی‌سوادی در این کشور حدود ۶۸ درصد است و تنها ۳۰ درصد از بچه‌ها به مدرسه راهنمایی وارد می‌شوند (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۰: ۵). علی‌رغم تلاش‌های گسترده برای مبارزه با بی‌سوادی، به علت افزایش جمعیت، عدم تعمیم آموزش همگانی، عدم استقبال لازم از کلاس‌های سوادآموزی به ویژه دختران و زنان، به خصوص در ایالت بلوچستان پاکستان، درصد بی‌سوادی زیاد است. در پاکستان چهار قوم بزرگ و مهم به نام‌های پنجابی، بلوچ، سندھی و پاتان (پشتون) وجود دارد و زبان اردو، زبان ملی و تکلم است که بیش از ۵۰ درصد لغات آن را، لغات فارسی تشکیل می‌دهد. زبان انگلیسی، زبان رسمی و دیوانی کشور و زبان آموزشی دانشگاه‌ها، کالج‌ها و بعضی از مدارس است و آموزش زبان انگلیسی در اکثر مدارس خصوصی، حتی در کودکان‌ها مورد توجه است. پایتخت کنونی پاکستان، اسلام آباد است (صافی، ۱۳۷۰: ۷۵-۶۵).

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- آموزش‌های مذهبی در پاکستان

الف) آموزش مذهبی در خانواده

توجه به خانواده در نظام کنونی جهان جایگاه ویژه و برجسته‌ای یافته است، دلیل این امر به شرایطی برمی‌گردد که این نهاد به لحاظ تربیتی بر اعضا و افراد خانواده اثر می‌گذارد و فقدان اصالت و استحکام و خطر از هم پاشیدگی آن، جامعه جهانی را تهدید می‌کند. واقعیت آن است که هیچ نهادی همچون خانواده در تأمین نیازهای روانی فرد به ویژه نیازهای عاطفی مؤثر نیست، جو عاطفی در اشکال مختلف در روابط اعضای خانواده با یکدیگر تجلی می‌یابد (بهروزی، ۱۳۸۴: ۵).

جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان پس از مدت‌ها مطالعه و تحقیق و تتبع «خانواده» را در جوامع مختلف جهان به سه گروه کلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: الف: خانواده مشترک و هم‌آهنگ: در این نوع خانواده پدر و مادر و فرزندان به دلیل کار مشترک (که کار در مزارع، نمونه روشن آن است) «زندگی گروهی» نیز دارند. ب: خانواده گسترده: در این گروه احتمال دارد، فرزندان از پدران و مادران جدا و حتی دور باشند، ولی وسیله‌ی پیوستگی و دلبستگی بین اعضای خانواده از طریق مکاتبه و کمک‌های نقدی و جنسی وجود دارد و گاهی نیز با یکدیگر دیدار می‌کنند و در عزا و شادی هم شریک‌اند. ج: نظام خانواده هسته‌ای: در خانواده‌های این دسته، معمولاً تا زمانی که بچه کوچک است با پدر و مادر زندگی می‌کند و وقتی بزرگ شد به معنی واقعی از اولیای خود جدا می‌شود و تنها از طریق مکاتبه یا مکالمات از اتفاقات و نوسانات زندگی افراد خانواده خود با خبر می‌شود. و اما کشور پاکستان نیز از چنین گروه‌بندی خانواده‌ها جدا نیست با این «تفاوت» که از نظر تقسیم بندی، خانواده‌های نوع اول و دوم در پاکستان بیشتر است زیرا علت اصلی این است که حدود هشتاد و پنج

درصد از اهالی پاکستان در روستاها زندگی می‌کنند و طبیعی است پیرو زندگی مشترک خانواده هستند، شاید تذکر این مهم ضروری باشد که محبت و شفقت و استحکام خانواده در پاکستان به لحاظ نفوذ دین مبین اسلام است و خانواده‌های پاکستانی عموماً دستورات قرآن کریم و پیغمبر اسلام را در مورد خانواده احترام به بزرگتر و محبت اولیا به فرزندان لازم الاجرا می‌دانند. خانواده‌های پاکستانی در حال حاضر با توجه به امکانات «فرزند یا فرزندان» خودشان را تربیت می‌کنند و البته در شهرهایی نظیر اسلام آباد، لاهور و کراچی که فرستنده تلویزیونی هم تا شعاع حدود صد میل قابل رؤیت است، بسیاری برنامه‌های مفید در این زمینه مادران و پدران را ارشاد و هدایت می‌کند و باید اشاره کرد که رادیو هم برنامه‌های مفید برای راهنمایی خانواده‌ها دارد و ضمناً نشریات مختلف بخصوص انتشارات رادیویی پاکستان برای مدارس، دانشگاه‌ها و خانواده بسیار مفید است و روزنامه‌ها نیز حداقل هفته‌ای یک صفحه بزرگ را برای طرح مسائل خانواده‌ها اختصاص می‌دهند، البته خانواده‌ها نیز به این برنامه‌ها کمک می‌کند. البته سنن و آداب و رسوم قدیمی را باید حفظ کرد و خانواده‌ها باید «قدرت تربیتی قوی» داشته باشند و وجود این قدرت به پدران و مادران امکان خواهد داد تا جوانی بسازند آشنا به حقایق، مطلع از انحرافات و در عین حال «دور از کجروی‌ها» بنابراین پدر و مادری موفق است که فرزندی با چنین خصایص بسازد و تحویل جامعه دهد (قریشی، ۱۳۵۱: ۲۹-۳۳).

یکی از کارکردهای مهم خانواده، کارکرد مذهبی است که تعلیم و تحکیم پیوندهای معنوی و آموزش مناسک و آداب مذهبی را به عهده دارد. امور مذهبی و مهارت‌های دینی متناسب با اقتضائات جنسیتی فرزند خود به خود و ناخواسته و در ابتدا با تقلید و سپس با درونی شدن به تدریج در جان و دل فرزند ریشه می‌دواند و به آن متادب می‌شود (نجفی و احمدی، ۱۳۹۱: ۱۸).

ب) آموزش مذهبی در مدارس

فکر تأسیس پاکستان نتیجه طبیعی شرایط تاریخی اواخر قرن نوزدهم به بعد و نیز عدم حضور فعال و مؤثر مسلمانان در زندگی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شبه‌قاره بود. این فکر بر این اساس شکل و قوام گرفت که با توجه به خصوصیات بنیادین اسلام و هندوئیسم و نیز پیشینه اسلام و تمدن اسلامی در سرزمین هند و واقعیت‌های ملموس آن روزگار امکان زندگی مشترک و با هندوان و در عین حال تضمین حقوق حقه و ثابت مسلمانان ناممکن است. خصوصاً که در آن ایام سقوط خلافت عثمانی به عنوان آخرین پایگاه اسلامی در آن قرن، علما و تحصیل‌کرده‌های مسلمان هندی را برای ایجاد حکومتی بر اساس تعلیم و اصول اسلامی تهییج کرده بود. مرحوم اقبال لاهوری در طی سخنرانی‌ها و نامه‌های فراوانش به محمدعلی جناح پیوسته از فکر تقسیم شبه‌قاره دفاع می‌کرد. او در این مورد دلایل متعدد فراوانی ذکر می‌نمود که مهم‌ترینش تفاوت بنیادین و اصولی اسلام و هندوئیسم و تفاوت هندوئیسم با سایر ادیان آسمانی (اهل کتاب) بود. در نهایت این افکار پایه‌ای برای جدایی پاکستان از شبه‌قاره هند گردید. پس از تأسیس پاکستان نیز نقش اسلام به عنوان بنیاد فرهنگ این کشور در همه تحولات اجتماعی مشاهده می‌شود (فرزین نیا، ۱۳۷۶: ۳۳). منازعات شیعه و سنی قبل از تأسیس کشور پاکستان، تقریباً امری ناشناخته بود. همچنین حکمرانی راج‌ها در فاصله سال‌های ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ م بر شبه‌قاره، مانع مواجهه شیعه و سنی شده بود. اما واکنش فرقه‌های سنی و دولت پاکستان به تاثیرات حاصل آمده از پیروزی انقلاب اسلامی در پاکستان، از یک طرف و با عکس العمل شدید عربستان سعودی، عراق و کویت از طرف دیگر، فضای حاکم بر جامعه را به شدت ملتهب نمود. در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که احیاء گرایش‌های سیاسی نزد شیعیان پاکستان، با واکنش افراطی رقبا و مخالفان روبرو شد که زمینه

را برای ظهور و توسعه افراط‌گرایی هموار می‌ساخت. از سوی دیگر عربستان سعودی، عراق و کویت برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران دست به حمایت از وهابی‌ها و دیگر گروه‌های افراطی پاکستان زدند. آن‌ها به تامین مالی مدارس دینی و سازمان‌های ستیزه‌گر سنی پرداختند. نصر معتقد است که دخالت عربستان و عراق باعث کشیده شدن جنگ ایران-عراق به پاکستان شد، چرا که هر یک از گروه‌های درگیر، تحت نفوذ حامیان خارجی خود بودند (عطایی و شهوند، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۲).

ج) آموزش مذهبی از طریق رسانه

رسانه‌های جمعی جایگاه و نقشی اثرگذار در انتقال، پرداخت و ساخت مفاهیم دینی و فرهنگی در جامعه دارند. رادیو در جایگاه رسانه‌ای جمعی که دارای توانمندی‌ها و قابلیت‌های خاص خود در فرایند پیام‌سازی و پیام‌رسانی است، می‌تواند در حفظ و تحکیم این حقوق، گام‌هایی متناسب و مناسب بردارد. جایگاه و نقش رسانه در انتقال مفاهیم دینی و تحولات آن، تعیین‌کننده و عمیق است. دست‌کم دو نظریه مهم در این باره وجود دارد: از دیدگاه نخست، رسانه می‌تواند ابزار انتقال دهنده مفاهیم دینی باشد و از دیدگاه دوم، رسانه عاملی فرهنگی است که علاوه بر انتقال می‌تواند روی مقوله‌های دینی و فرهنگی نیز اثرگذار باشد. رسانه به عنوان عاملی وحدت‌بخش می‌تواند راهکارهایی را برای جلب مشارکت، همکاری و همدلی اقلیت‌های دینی و مذهبی به کار گیرد و از شیوه‌های گوناگونی برای عملی ساختن این هدف بهره‌برد. رادیو به شکلی خاص قابلیت آن را دارد که در عرصه مباحث دینی مورد توجه قرار گیرد. رادیو قرآن در بیشتر کشورهای عربی و اسلامی، رسانه‌ای شناخته شده است. اما از قابلیت‌های رادیو در زمینه آموزش مذهبی، هنوز هم استفاده کامل نشده است. برای نمونه، ارتباط عامه مردم با مراجع تقلید و طرح سوالات دینی و شنیدن پاسخ از زبان آنها پیشنهادی مناسب در این زمینه است. این ارتباط، رابطه مردم را با مراجع دینی نزدیک‌تر می‌سازد. رادیو می‌تواند در زمینه تولید نمایش‌هایی با موضوع بزرگان دینی و پیامبران الهی، گامی مهم در تحکیم وحدت دینی درون کشور بردارد (لبیبی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۱).

۲-۴- آموزش‌های مذهبی و تأثیرات فضایی

الف) افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان

سیاست داخلی و رویدادهای منطقه‌ای در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م روند تحولات داخلی پاکستان و اوضاع منطقه‌ای آن را تغییر داد. سقوط ذوالفقار علی بوتو و روی کار آمدن ژنرال محمد ضیاءالحق در اثر کودتای نظامی (۱۹۷۷ م) زمینه اصلی در داخل پاکستان را برای طراحی و اجرای «برنامه اسلامی سازی» فراهم ساخت. در اوایل سال ۱۹۷۷ ذوالفقار علی بوتو (۱۹۷۹-۱۹۲۸ م) پیروز انتخاباتی شد که نتایج آن مورد اعتراض گروهی فراگیر از ۹ حزب سیاسی- مذهبی سنی قرار گرفت که خود را اتحاد ملی پاکستان نامیده و خیابان‌ها را به اشغال خویش درآورده بودند. ماه‌ها شورش بر ضد حکومت بوتو اقتدار مرکز قدرت پاکستان را دچار فرسایش کرده و نیروهای ضد رژیم، به‌ویژه اسلام‌گراها، را تا حدی بی‌سابقه بسیج کرده بود. پیش از این هیچ‌گاه احزاب سیاسی مذهبی تا این اندازه در پاکستان اعمال نفوذ نکرده بودند. این اعتراضات در شهرهای بزرگ منجر به آشوب، خشونت و هرج و مرج شد. ژنرال ضیاء، فرمانده ارتش پاکستان در آن زمان، از این موقعیت استفاده کرد و با کودتایی بدون خون‌ریزی قدرت را در دست گرفت. ضیاء بر خلاف اسلاف حاکم

نظامی خود، که سیاست‌های سکولار در پیش گرفته و به نیروهای مذهبی چندان اجازه فعالیت در سیاست پاکستان را ن داده بودند، تصمیم گرفت تا راه را برای ورود این نیروها به صحنه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باز کند. این سیاست ضیاء «اسلامی سازی» نامیده شد. برنامه اسلامی سازی، مطابق نظر ضیاء‌الحق، در دو سطح اتفاق افتاد: ۱- تغییراتی در نظام حقوقی نهادینه شد. ۲- برنامه اسلامی سازی ضیاء‌الحق از طریق رسانه‌های چاپی، رادیو، تلویزیون و مساجد پیش برده شد. حکومت با استفاده از یک رشته احکام مذهبی در جهت اسلامی کردن کارمندان کشوری، نیروهای مسلح و نظام آموزشی حرکت کرد. برنامه اسلامی سازی ضیاء سرآغاز افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان بود. به اعتقاد زاهد حسین، منازعه فرقه‌ای در دهه ۱۹۸۰ شکل نظامی سازمان‌یافته‌ای به خود گرفت که ریشه در برنامه موسوم به اسلامی سازی رژیم نظامی ژنرال ضیاء‌الحق دارد. در نتیجه امر، تلاش برای بسیج افکار شیعه چندی پس از برنامه اسلامی سازی حکومت آغاز شد. حرکت به سوی تأسیس دولت سنی حنفی، که منعکس کنند هم‌اوردهای فرقه مسلط بود، باعث ایجاد احساس ناامنی در میان جامعه اقلیت شیعه شد و آن‌ها را با دولت بیگانه ساخت. ترویج مکتب دیوبندی باعث تشدید منازعه فرقه‌ای شد. رژیم ضیاء به منظور مهار تهدید سیاسی اسلام‌گرایی شیعی به ایجاد اسلام‌گرایی سنی کمک کرد. در نتیجه، روابط میان شیعه و سنی بدتر شد. علاوه بر این، یکی از وجوه برنامه اسلامی سازی ضیاء‌الحق که اهمیت بسیاری در رشد افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان داشت تأثیر آن در مدارس دینی این کشور بود. این برنامه به رشد مدارس دینی کمک کرد. مدارس که بخش اعظم آنها مروج تعارض و ستیز فرقه‌ای بودند، به محلی برای آموزش نیروهای ستیزه‌گر تبدیل شدند. در حکومت ضیاء و در برنامه اسلامی سازی وی «برای نخستین بار در کشور بود که دولت، از محل وجوه زکات و عشر، برای گسترش آموزش دینی از مدارس حمایت مالی می‌کرد». مجموع نهادهای مذهبی پاکستان در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸م از ۲۸۹۳ به ۱۰۳۰۸ رسید و زمانی که افراط‌گرایی فرقه‌ای وجود داشته باشد موجب ایجاد بحران مذهبی و کشش و درگیری می‌شود (عطایی و شهوند، ۱۳۹۱: ۹۱-۸۸).

ب- شکل‌گیری و توسعه گروه‌هایی نظیر طالبان در پاکستان

در یکی دو دهه اخیر بنیادگرایی و فرقه‌گرایی مذهبی در جنوب آسیا از جمله پاکستان از رشدی چشم‌گیر برخوردار بوده است؛ به طوری که این کشور امروزه به مرکز بنیادگرایی و افراطی‌گری در آسیا شهره است. یکی از جلوه‌های افراطی‌گری در پاکستان، شکل‌گیری گروهی است که به اصطلاح طالبان پاکستان یا تحریک طالبان پاکستان نامیده می‌شود (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱). طالبان پاکستانی اصطلاحی نسبتاً جدید است. پیش از این اغلب از نیروهای رادیکال یا مذهبیون در توصیف طالبان پاکستانی استفاده می‌شد. طالبان پاکستان از پیچیده‌ترین نیروهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی این کشور و حتی جنوب آسیا به شمار می‌روند که به عنوان پدیده‌ای نسبتاً نوین درباره آن‌ها کمتر گفته و شنیده‌اند. هم‌اکنون امنیت داخلی پاکستان، امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را تهدید می‌کند. ایجاد مدارس مذهبی و رشد افکار رادیکالیستی با حمله شوروی به افغانستان به همراه حمایت‌های مالی عربستان سعودی از گروه‌های افراطی و تزریق ایدئولوژی وهابیت در ذهن جوانان سنی افغان و پاکستان تأثیری تعیین‌کننده در رشد و گسترش روزافزون افراط‌گرایی داشته است (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۵). آرمان نهایی طالبان پاکستان ایجاد یک دولت اسلامی مبتنی بر برداشت‌ها و تفاسیر غیر منعطف از اسلام بود. با توجه به این آرمان می‌توان فهمید که اکثر اعضای تشکیل‌دهنده طالبان از محیط فکری پاکستان تأثیر پذیرفته‌اند. آرمان ایجاد نظام اسلامی هدف اکثر گروه‌های اسلامی در درون پاکستان

بعد از استقلال این کشور بوده است. ناکامی ایجاد نظام اسلامی در پاکستان و سرخوردگی گروه‌های اسلامی باعث شد که آن‌ها از محیط داخلی پاکستان ناامید شوند و آرمان خود را در کشور همسایه (افغانستان) جستجو و عملی کنند. بستر شکل‌گیری طالبان پاکستان، از نظر جغرافیایی و اجتماعی، مناطق قبایل پشتون‌نشین پاکستان و افغانستان است. غالب آن‌ها پشتون‌هایی هستند که در مناطق شمال غربی پاکستان در مرز با افغانستان زندگی می‌کنند. طوایف پشتون جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که حتی در عصر حاضر بافت سنتی و بدوی خود را حفظ کرده است. سنن، آداب و رسوم در واقع، قوانینی نانوشته هستند که به شدت در این مناطق و بین این قبایل اعمال می‌شود. آن بخشی از آیین اسلام که تقویت‌کننده‌ی رسوم و آداب قومی باشد به شدت مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد؛ اما عکس آن نیز صادق است، یعنی چه‌بسا احکام و قوانین دینی مغایر با آداب و رسوم که مطرود شده‌اند. شرایط جامعه پاکستان، خود مهیاکننده ظهور و رشد طالبان بوده است. در واقع، ساختارهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و ... در کنار عوامل بیرونی به‌مثابه شرایط تسهیل‌کننده ظهور این پدیده بوده‌اند. شرایط موجود در جامعه‌ی پاکستان از جمله شکست طرح دولت و جامعه اسلامی، شرایط اسفبار اجتماعی و اقتصادی، متغیرهای ژئوپلیتیک، نقش اختلافات قومی و فرقه‌ای و نسلی از مردان جوان ناراضی که در سیستم مدارس سنتی غیر منعطف درس خوانده بودند؛ همگی باعث تسریع در روند شکل‌گیری این گروه شدند. با توجه به شرایط محیطی، ساختاری و سطح توسعه مناطقی از پاکستان که پناهگاه و محل ظهور گروه طالبان پاکستان است (شمال و شمال غربی پاکستان)، افزایش سطح توقعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم در این منطقه و عدم تغییر وضع موجود و نبود امکانات مقتضی باعث بروز ناامیدی در بین افراد جوانی شد که اکثرشان در مدارس مذهبی تحصیل می‌کردند. این احساس ناامیدی در بین این افراد به عنوان جرقه‌ای بود که آتش خشم آن‌ها را روشن کند، این جرقه باعث شد تا با استفاده از شرایط بد اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی منحصر به فرد مذهبی مدارس دینی اهرمی خوب برای بسیج مردان ناراضی بشود. این بسیج ناراضیان از طریق ایدئولوژی دینی باعث شد تا جنبش طالبان در افغانستان و سپس در پاکستان ظهور یابد. طالبان با ترویج اسلام رادیکال و جذب افراد مختلف از کشورهای آسیای میانه، مانند تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و ... از طریق مدارس دینی، به تقویت حرکات رادیکالی و بنیادگرایانه در منطقه آسیای مرکزی مبادرت می‌ورزند و بدین طریق امنیت این منطقه را با تهدیدات جدی روبه‌رو خواهند کرد. آن‌ها همچنین با جذب و آموزش تندرویان چچنی و اویغور با همکاری القاعده می‌توانند تهدیدی علیه امنیت روسیه و منطقه قفقاز محسوب شوند (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۰: ۳۳-۲۳). در پاکستان آموزه‌های رادیکالیسم در بسترهای ایدئولوژیک اندیشه دینی اهل سنت شکل گرفته است و هماهنگی کاملی میان آنها وجود دارد، به گونه‌ای که ایدئولوژی‌های وهابیت و دیوبندی با ترویج دیدگاه افراطی از طریق مدارس مذهبی و رویکرد خشونت‌آمیز در قبال سایر مذاهب، نقشی شاخص در ایجاد طالبان ایفا کرده‌اند. فرقه‌های اهل تسنن در راستای گسترش اندیشه‌های خود میان مردم، به ویژه جوانان پاکستانی، اقدام به ایجاد مدارس مذهبی و توسعه هر چه بیشتر این مراکز پرورش فکری کردند. جنگ افغانستان مؤثرترین عامل در شکل‌گیری طالبان پاکستانی بود. در دوران اشغال افغانستان با تاسی از مکتب دیوبندی و پیوند آن با وهابیسیم، مدارس آموزشی متعددی برای مجاهدین در پاکستان تأسیس شد. پیدایش مدارس مذهبی و آموزش مباحث اعتقادی و افراطی از قبیل جهاد و شهادت سبب شکل‌گیری خشن‌ترین رفتار در این افراد شد. این امر تأثیری عمیق بر محیط داخلی پاکستان گذاشت، زیرا جامعه پاکستان به طور اعم و منطق قبایلی و پشتون‌نشین که محل استقرار نیروهای جهادی

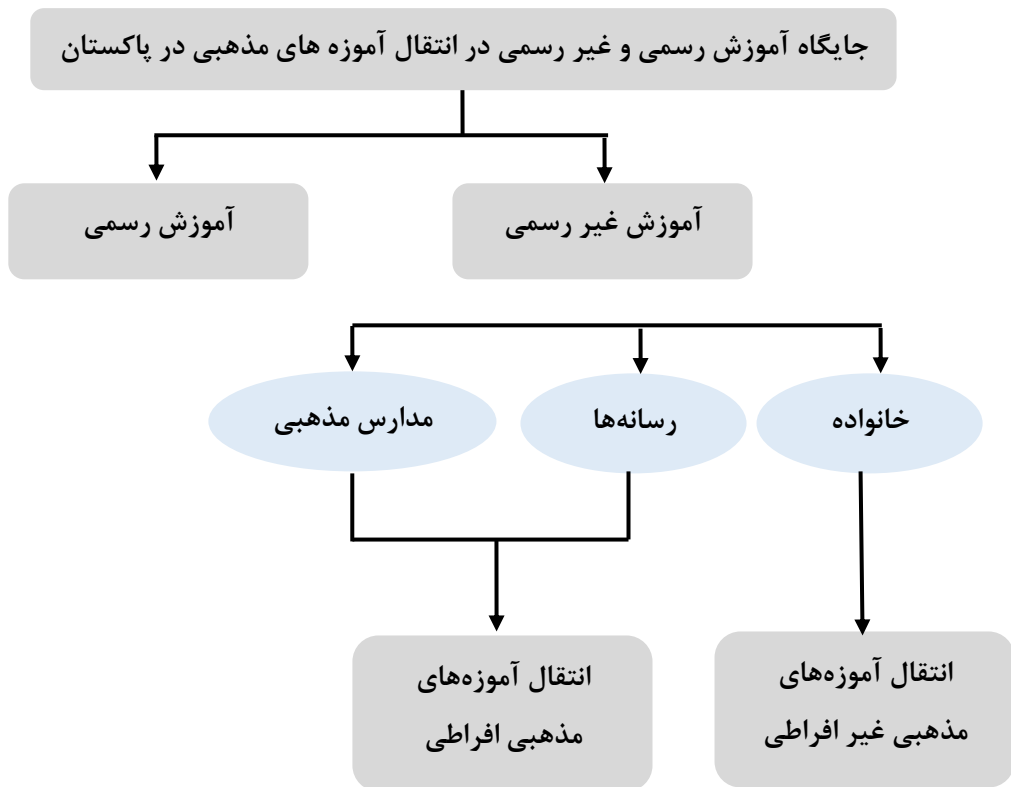
بودند به طور اخص متأثر از آموزه‌های مدارس مذهبی شدند. همین مسئله زمینه شکل‌گیری طالبان پاکستانی را فراهم آورد، به طوری که تمام رهبران این جریان رادیکال در پاکستان فارغ‌التحصیل مدارس مذکور هستند. در همین راستا با تزریق ثروت نفتی عربستان و امارات، هزاران مدرسه و محافل مذهبی برای تربیت جهادگران اهل سنت در پاکستان تاسیس شد و اولین آموزه‌های فکری طالبان در این مدارس شکل گرفت (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۳-۱۹۳).

ج) و غیره

۵- تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری

آموزش در میان انسانها جهت انتقال آموزه‌ها از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در میان جوامع انسانی مختلف برخوردار می‌باشد. این مهم به ویژه در زمینه آموزه‌های مذهبی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای به ویژه در فضاهایی با جوامع سنتی برخوردار می‌باشد. در این میان کشورهای نظیر پاکستان که علت وجودی خود را از این آموزه‌های دینی- مذهبی کسب کرده‌اند اهمیت و جایگاه این آموزش از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار می‌باشد. هر چند به نظر می‌رسد در فضای کشور پاکستان انتقال این آموزه‌ها از طریق آموزش رسمی و غیر رسمی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است اما به صورت به حرکتی افراطی در این فضای جغرافیایی به ویژه از طریق آموزش‌های صورت گرفته در مدارس به صورت رسمی و رسانه‌ها به صورت غیر رسمی تبدیل شده است. به نحوی که با بررسی آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در در ایجاد بحران مذهبی به این نتیجه می‌توان رسید که خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها تأثیر زیادی در آموزش‌های مذهبی دارند. آموزش و انتقال مذهب از طریق خانواده‌ها، واحد بنیادین جامعه، کانون اصلی رشد و تعالی انسان و مؤثرترین عامل در انتقال فرهنگ اسلامی است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می‌یابد و در خانواده‌های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نائل می‌شوند. از این رو، خانواده نه تنها عامل کمال یابی و سکونت و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و مذهب و آموزش و حکومت نیز از عملکرد خانواده متأثر می‌شود و این تأثیر به صورت متقابل باعث ایجاد تغییرات اساسی می‌گردد. از این روبرو به نظر می‌رسد که پرداختن به مسئله خانواده و تلاش جهت استحکام بنیان‌های این نهاد مقدس، مؤثرترین گام جهت حفظ فرهنگ ملی و ارزش‌های مذهبی است. بهترین آموزشگاه و مقدس‌ترین و پاک‌ترین مکان برای پرورش نیروی انسانی و کارآمد است. به دلیل همین جایگاه رفیع خانواده در ساختن جامعه‌ای سالم و پویا است که در فرهنگ قرآنی در رابطه با مسئولیت پدر و مادر به عنوان دو رکن اساسی سازمان‌دهی به این نهاد تأکید شده است. نوع انتقال آموزه‌های مذهبی از طریق خانواده‌ها به جز موارد محدود به دور از افراط‌گرایی است و بیشتر روند جریان ورود افراد را جهت آشنایی به مذهب فراهم می‌کند. در سطح بعد یعنی انتقال آموزه‌ها از طریق مدارس مذهبی به عنوان یک نهاد آموزشی غیر رسمی با توجه به شکل دهی هویت‌ها مبتنی بر خواسته‌های سیاستمداران و به ویژه حمایت‌های گسترده کشورهای نظیر عربستان، کویت، عراق، قطر و غیره از انتقال آموزه‌های مذهبی مبتنی بر خواسته‌ها و رویکردهای سیاسی و افراط‌گرایانه خود زمینه برای تربیت انسانهایی با ماهیت و هویت‌های مذهبی افراطی فراهم می‌آورد. در بخش دیگر رسانه‌ها به عنوان نهادهایی غیر رسمی انتقال آموزه‌های مذهبی در دوران کنونی بخشی

جدایی‌ناپذیر از زندگی مخاطبان شده‌اند. این مخاطبان در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. به عبارتی در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه‌پذیری مخاطبان از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه‌ها تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند. با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته‌ای که رسانه‌ها در انتقال آموزه‌های مذهبی‌دارا می‌باشند و با توجه به اینکه این رسانه‌ها تأمین‌کننده اهداف و منافع سیاست‌مداران و حامیان مالی در این فضای جغرافیایی و سایر فضاها می‌باشند حرکت در زمینه انتقال آموزه‌های مذهبی مبتنی بر نگرشهای افراط‌گرایانه آنها جهت حفظ علت وجودی کشور و از سوی دیگر دستیابی به برتری‌ها جهت رقابت با رقبای منطقه‌ای می‌باشد که به صورت‌های مختلف زمینه برای تربیت انسان‌های افراطی را در این فضا فراهم می‌آورد. در این میان به صورت کلی می‌توان به خروجی این نوع تربیت را در فضای کشور پاکستان در قالب افزایش افراط‌گرایی اشاره کرد. افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان و گسترش پرورش نیروهای ستیزه‌گر سنی پاکستانی در خاک افغانستان، تعمیق روابط گروه‌های مختلف جهادی پاکستان، مدارس دیوبندی و سازمان‌های فرقه‌ای سنی و ترویج الگوی تندروانه‌ای از حکومت اسلامی از جمله تأثیرات طالبان در افراط‌گرایی در پاکستان بود که بازتابی گسترده در این کشور داشت. طالبان به خشن‌ترین گروه‌های افراط‌گرای سنی پاکستانی در خاک افغانستان پناه داده و آن‌ها را مسلح کردند. آنان در سال ۱۹۹۶ کنترل اردوگاه‌های آموزشی خود را در افغانستان به جمعیت علمای اسلام سپردند و محبوبیت این جمعیت را، در میان نسل جدید ستیزه‌گران پاکستانی و عرب که در آنجا درس می‌خواندند، افزایش دادند. ترویج الگوی حکومت طالبان نیز به افزایش ستیزه‌گری سنی در پاکستان انجامید. نظام اسلامی‌ای که در افغانستان تأسیس شد، «مدلی حکومتی» برای دولتی دین‌سالار ارائه کرد که شریعت در آن در امتداد اصول متعصبانه مکتب دیوبند به اجرا در می‌آمد. دیدگاه افراطی طالبان درباره اجرای شریعت اسلامی، علمای پاکستانی را تشویق کرد تا افکار عمومی را به طرفداری از وضع قوانین سخت‌گیرانه شرعی تحریک کنند.



۶- منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، حمید و آرش بیدالله خانی. (۱۳۹۰). «طالبان پاکستان». علل پیدایش، ماهیت و چالش های امنیتی. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۱. صص ۳۷-۲۱.
- ۲- باقری، شهلا. (۱۳۸۷). «نظام آموزش رسمی و غیررسمی». مجله رشد علوم اجتماعی. شماره ۱. صص ۱۹-۱۲.
- ۳- بهروزی، محمد. (۱۳۸۴). «ارزشیابی دوره ضمن خدمت آموزش خانواده». صص ۷۳-۱۰۲.
- ۴- بهشتی، احمد. (۱۳۴۶). «معارف جعفری». سالنامه وزین. شماره ۷. صص ۱۰۲-۷۳.
- ۵- حافظنیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی. (۱۳۹۱). «چالش های ژئوپلیتیکی همگرایی جهان اسلام». پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره ۸۰. صص ۱۵۴-۱۳۹.
- ۶- حسینی، سید حسین. (۱۳۸۵). «بحران چیست و چگونه تعریف می شود؟». فصلنامه امنیت. شماره ۱ و ۲. صص ۵۱-۷.
- ۷- شفیعی، نوذر و همکاران. (۱۳۸۹). «بسترها و زمینه های مؤثر در تکوین و گسترش طالبان پاکستانی». فصلنامه آفاق امنیت. شماره ۷. صص ۲۰۵-۱۸۵.
- ۸- صارمی نایینی، داوود و همکاران. (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی اشتراکات فرهنگی میان بلوچستان ایران و شبه قاره پاکستان) در دوران اسلامی: مطالعه موردی، مساجد منطقه و ریشه یابی برخی از عناصر وابسته به آنها». چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- ۹- صافی، احمد. (۱۳۷۰). «آموزش و پرورش در پاکستان و وجوه ممیزه ی آن با آموزش و پرورش ایران». صص ۹۲-۶۱.
- ۱۰- صفوی، سید یحیی. (۱۳۵۶). «وحدت جهان اسلام». تهران: انتشارات شکیب.
- ۱۱- عطایی، فرهاد و شهوند، شهاد. (۱۳۹۱). «افراط گرایی فرقه ای در پاکستان (۲۰۰۱-۱۹۷۹)». دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی. شماره ۲. صص ۱۰۳-۸۶.
- ۱۲- فرزین نیا، زیبا. (۱۳۷۶). «پاکستان». تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۳- قریشی، احمد. (۱۳۵۱). «خانواده در کشورهای دیگر: پاکستان». ماهنامه مکتب مام، شماره ۳۸. صص ۵۳-۲۹.

- ۱۴- لیبی، محمدمهدی. (۱۳۸۸). «رادیو و اقلیت‌های دینی و مذهبی، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران». شماره ۴۹. صص ۶۵-۶۱.
- ۱۵- نجفی، ابراهیم و حسین احمدی. (۱۳۹۱). «اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، فصلنامه خانواده. شماره ۱۴. صص ۳۰-۷.